

سازمان CIA

پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان CIA در امریکای لاتین؛
وگوشه ای از کارکرد های این سازمان در افغانستان.

بخش (۳)

کبیر توخی

تاریخ نگارش (۱۴ جنوزی ۲۰۰۹)

تاریخ ارسال آن به پورتال " افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " (۲۵ جنوری ۲۰۱۲)

پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان CIA در امریکای لاتین

- ۱- در آمد مختصر بر موضوع .
- ۲ - تأملی گذرا به " مدرسه دیکتاتور ها " یا " درسگاه تحقیق و شکنجه " در امریکا لاتین.
- ۳- سیا به مثابه یکی از نهاد های حفاظتی سرمایه های امپریالیستی .
- ۴- سازمان سیا برای سرنگونی رژیم های ضد امپریالیستی در امریکای لاتین کدام اهدافی را نشانی می نمود
- ۵- درنگی بر عملکرد های یکی از افسران سازمان حفاظت عمومی (obs) - امریکا و نظرات وی در مورد شکنجه .
- ۶- سخنی چند در مورد میتود های شکنجه که سیا به عوامل بومی در امریکای لاتین آموزش می داد .
- ۷- شمه ای از اشکال و اعمال شکنجه توسط عوامل سیا در برخی از کشور های امریکای لاتین .
- ۸- نگاهی گذرا به برخی از نهاد های " امدادی " که سیا زیر پوشش آن در امریکای لاتین عمل می کرد.



هیپنوتیزم:

جواب هایی که از زندانی تحت اثر هیپنوتیزم گرفته شوند قابل اعتماد نیستند؛ زیرا اغلب توسط القاء (Suggestio) مستنطق انجام گرفته اند ... برای مثال می توان به زندانی گفت که دست او گرم تر شده است و با استفاده از یک دستگاه حرارتی مخفی دست های او را گرم نمود

اثر مواد مخدر و دارو (Narcosis) :

هیچ داروی وجود ندارد که زندانی را مجبور نماید اطلاعاتی که دارد افشا نماید . اما می توان در زندانی این فکر را ایجاد کرد . دادن یک دانه قند بی ضرر ... به زندانی اجازه می دهد که بهانه ای برای همکاری داشته باشد و این تنها راه او برای فرار از موقعیت افسرده ساز او می باشد ... که مجبور بوده و هیچکس نمی تواند او را برای دادن اطلاعات سرزنش نماید .

بازگردانیدن شخص به دوران کودکی (Regression) :

چنان که قبلاً گفتیم هدف کلیه تکنیک های فشار و اجبار (Coercion) به قهقهرا بردن زندانی است .

تعدادی از این تکنیک ها به شرح زیر هستند :

- بازی با زمان
- عقب و جلو بردن ساعت
- غذا دادن بی موقع
- به هم ریختن برنامه و ساعات خواب
- عوض کردن نور روز و شب
- چند روش استنطاق مانند :
- پرسیدن سوالات نامفهوم و بی معنی
- نادیده گرفتن همکاری ناقص
- مجازات عدم همکاری
- ... به زندانی القا کنید (اکنون که به دوران کودکی به قهقهرا رفته است)
- ترا مجبور کرده اند این کار ها را بکنی
- همه آدم های دیگر نیز همین کار را می کنند که تومیکنی (اعتراف)
- تو ته قلبت آدم خوبی هستی

ب - چکیده ای ۷ جزوه " آموزشی " که توسط پنتاکون در سال ۱۹۹۶ از طبقه بندی خارج شدند:

A - دفترچه شماره یک : " ضد اطلاعات "

امنیت غیر نظامی ها : در کلیه موارد ، مأموریت نیرو های ارتشی و مسلح از جان و مال غیر نظامیان مهمتر است . برای مثال می توانید از اقدامات امنیتی زیر استفاده کنید :

* به طور سیستماتیک پرسنل غیر نظامی ، از جمله خارجیانی بی طرف و دشمن ، را سر شماری و نام نویسی کنید [یاد آور قانون مالک - مستأجر و کارت سهمیه آذوقه در جمهوری اسلامی ایران در سالهای ۶۲ - ۶۰] . این کار توسط اداره امور غیر نظامیان انجام گرفته و شامل دادن کوپون خوار و بار [اجاره کار ، تذکره مسافرتی و ویزا برای خروج از کشور ...

* تحت نظر گرفتن گروه ها سیاسی مظنون : باید دانسته شود که گروه به دشمن سمپاتی (هواداری) دارد یا نه . این گونه گروه ها را باید همیشه به عنوان عامل بالقوه (دشمن) به حساب آورد . (ص ۱۱ - ۱۰)

* لیست سیاه : این لیست شامل هویت و محل افرادی است که باز داشت و زندانی کردن آنها برای نیرو های مسلح بسیار مهم می باشد .

مثال :

۱- عوامل دشمن که شناخته شده و یا به آنها مظنون باشیم . افرادی که برای خرابکاری و جاسوسی و یا شرکت در سیاست به آنها شک باشد .

۲- فرماندهان تیم های چریکی (شناخته شده و یا مظنون به آنها)

۳- رهبران سیاسی که به طور حتم و یا حدس مخالف (Hostile) نیرو های مسلح و منافع سیاسی حکومت باشند.

۴- رهبران حکومت دشمن که حضور آنها در منطقه عملیاتی امنیت ملی را به خطر می اندازد [چه گوارا در بولیوی]

۵- همکاران و هواداران دشمن ، شناخته شده و یا مظنون به آنها ، که حضور آنها در منطقه عملیاتی امنیت ملی را به خطری اندازد .

۶- نظامیان و غیر نظامیان دشمن ، شناخته شده و یا مظنون به آن ، که فعالیت اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی ، امنیتی ، پولیس و تبلیغات سیاسی بین نیرو های مسلح و یا غیر نظامیان دست زده باشند .

۷- تمام افراد دیگری که سازمان رکن دو (G2) [اداره دوم اطلاعات ارتش] خواهان بازداشت فوری آنها باشد این می تواند شامل شخصیت های سیاسی محلی ، رئیس پولیس ، کارمندان شهر داری و یا روسای ادارات دشمن باشد . [منظور مناطق آزاد شده و یا تحت کنترل سیاسی مخالفان دولت مرکزی است : کردستان - چیپاس و غیره] (ص ۲۲۵) .

سازمانها و گروهها :

این لیست شامل اهدافی است که باید شناسایی شده و "خنثی" (Neutralized) گردند در این بخش کتابچه "آموزشی" لغت "خنثی سازی" چنین توصیف شده است: "دستگیری - زندانی کردن - بی آبرو و بی اعتبار ساختن و کشتن." (

۱- گروه های حزب سیاسی محلی و یا ملی و یا احزابی که دارای اهداف، اعتقادات، و یا ایدئولوژی مخالف دولت هستند.

۲- سازمان های شبه نظامی مانند اتحادیه های دانش آموزان، پولیس، ارتش و باز نشستگان ارتشی که مخالف دولت هستند.

۳- افراد و یا سازمان هایی که در منطقه عملیات ایجاد نارضایتی و تا آرامی می نمایند.

۴- دفاتر سازمان های مخالف طبق دستور صادره از طرف فرمانده نیرو های مسلح به سرعت "خنثی" خواهند شد. افراد این دفاتر بازداشت و زندانی خواهند شد. (ص ۲۲۸)

B - دفتر چه شماره دو: "طرز رفتار با منافع انسانی" [جاسوسی - نفوذی - استنطاق]

تنها از بین بردن نیرو های چریکی نمی تواند رفتار یک سازمان شورشی (Insurgent) را عوض کند ... باید قبل از شروع عملیات چریکها به این سازمانها حمله کرد ... چنانکه قبلا درس دادیم تعدادی انگشت شماری از افراد می توانند توسط انتخابات قلابی و نفوذ در سازمانها آنها را کنترل نمایند. دولت با قرار دادن جاسوسان خود در این سازمان ها قبل از موقع از اوضاع با خبر خواهد شد ... از این سازمانها می توان از احزاب سیاسی، اتحادیه ها و گروههای جوانان و دانش آموزی - دانشجویی نام برد. .. کودکان مشاهده گران بسیار خوبی هستند و میتوانند اطلاعات دقیقی در باره آنچه که دیده اند و شنیده اند بدهند اما به شرطی که به طریق درست از آنها بازجویی شود ... معلمین، داکتران مدد گاران اجتماعی و روحانیون در منطقه می توانند اطلاعات زیادی در اختیار افسر ضد اطلاعات بگذارند ... آنها معمولاً دارای دوسیه هایی هستند که منبع اطلاعات مفید می باشد [برای حق السکوت و ارعاب و مجبور ساختن به همکاری] ... مامور ضد اطلاعات باید در ازای اطلاعاتی که منجر به دستگیری و بازداشت و مرگ چریکها شود پاداش و جایزه بدهد ... قبل از اینکه چریکها منطقه را زیر کنترل خود در آورند، افسر ضد اطلاعات باید همه سازمان ها را و به عنوان مظنون و همکار احتمال چریکها تلقی نماید. او باید با آموزش مخبر آنها را در داخل این سازمان ها نفوذ دهد ... افسر ضد اطلاعات باید سازمانهایی را نیز که هنوز تحت نفوذ چریکها نیستند مورد تجسس قرار دهد زیرا بدون شک هواداران جنبش شورشی در آن جا نیز حضور دارند ... باید آنها را شناسایی کرد ... مامور ضد اطلاعات باید نفر نفوذی خود را و والدین او را بازداشت کرده و او را زندانی کرده و کتک بزند تا او بتواند در سازمان دلخواه نفوذ کند ... ارزش نفر نفوذی توسط بازداشت، اعدام و آرام سازی (Pacification) منطقه [که به خاطر اطلاعات او ممکن شده است] بالا می رود. [خادی های نفوذی در داخل سازمان های و احزاب ضد تجاوز شوروی بعد از اینکه حلقه ای که در آن نفوذ کرده بودند را با خود یکجا زندانی می ساختند، مدتی کمتر بعد ها برای اینکه مورد سوء ظن قرار نگیرند آنان را مدت بیشتر حبس می کردند، و بعد ها به بهانه های مختلف از قبیل تبادل با سربازان گرفتار

شده روسی و یا مریضی " صعب العلاج " و یا " فرار " از زندان رها می شدند و یا اینکه در میان سایر اعدامی ها زیر همین پوشش (اعدام) از زندان بیرون کشیده می شدند - توحی]

C- دفترچه شماره سه " تروریزم و جنگ چریکی " :

" یکی دیگر از وظایف افسر اطلاعات (CIA) توصیه اهدافی است که باید " خنثی " گردند [بازداشت شکنجه بازجویی اعدام] . این اهداف اطلاعاتی می توانند شامل افراد ، تاسیسات ، سازمان ها و مدارک و تجهیزات باشند . یک هدف اطلاعاتی ممکن است بر ضد ما فعال نباشد .

D - روشهای بازجویی و بازداشت :

درمورد نحوه بازداشت بسیار مهم است که تیم بازداشت کننده چنان دقیق عمل کند که زندانی از کار آیی آنها به حیرت درآید . زندانی را باید با خشونت از خواب بیدار کرده و از رختواب بیرون کشیده و بلافاصله چشم بند و دستبند زد ...

رفتار با زندانی پس از رسیدن به مقر [زندان ، خانه مخفی و امن و غیره]

- ۱- زندانی را با چشم بند و دست بند وارد کرده و در تمام طول پروسه هم به همین ترتیب عمل شود .
- ۲- به هنگام نقل و انتقال زندانی همیشه چشم بند و دست بند به او بزنید .
- ۳- زندانی باید بلافاصله از تمام دستورات اطاعت کند .
- ۴- زندانی را به کلی عریان کرده دستور دهید خودش را بشوید . در زمان شستن چشم بند باید زده شود و نگهبان او را زیر نظر داشته باشد .
- ۵- معاینه کامل طبی به عمل آید [چنانکه دان میتریونه درس داد که دانست تا کجا در شکنجه می توان پیش رفت . مرگ ناخواسته زندانی به نفع شکنجه گر نیست . تمام حفره های بدن [مقعد ، دهان ، گوش ، آلت تناسلی زنان] باید توسط داکتر و یانرس مورد بازدید قرار گیرد .
- ۶- تا بعد از استنطاق اول ، زندانی باید در زندان انفرادی باشد .
- ۷- در طول بازداشت ، زندانی باید باور کند که رفقاییش او را به امن خود رها کرده اند .
- ۸- زندانی در تمام طول بازجویی باید بفهمد که مستنطق سرنوشت زندگی او را به دست دارد و برای زنده ماندن باید همکاری کند .
- ۹- هر چه سلول از سر و صدا و هر گونه عامل خارجی مانند نور و رفت و آمد دور باشد اثرات بازجویی سریعتر ظاهر خواهد شد . اثراتی که در زندان عادی هفته ها و یا ماهها طول دارد تا ظاهر شود را می توان در چند ساعت و یا چند روز در سلول تاریک (و یا نور کمی مصنوعی که هرگز عوض نمی شود) و سر و صدا به داخل آن نفوذ نمی کند (Soundproof) ایجاد نمود .

E- " روش های کنترل جمعیت "

[که اکثرا توسط جمهوری اسلامی ایران و "حزب" وطن فروش "دموکراتیک خلق" در افغانستان نیز به کار گرفته شدند - ت]

۱- تحت نظر گرفتن (Surveillance) و کنترل کردن مواد غذایی، مواد سوخت و سایر مواد مورد ضرورت مردم.

۲- صدور کارت شناسایی [کوپون خوار بار] و دفتر چه مساجد در جمهوری اسلامی و برخی اسناد هویت در پاکستان - ت]

۳- ثبت نام: تکمیل کننده کارت شناسایی. تمام خانواده ها و اعضای آن و تمایلات سیاسی آنها ثبت شود [طرح ثبت نام صاحب خانه و کرایه نشین در دوره خلقی ها در افغانستان - ت]

۴- پست بازرسی در هر مرحله [اشکال آن در زمان خلقی و پرچمی وطن فروش و جهادی و طالبی های وحشی و مزدور در افغانستان - ت]

۵- گشت پولیس [پولیس های مذهبی در دوره طالبان - ت]

۶- کنترل مسافرت و حمل و نقل [تلاشی سرویسها و سایر موترها- ت]

۷- منبع عبور و مرور [حکومت نظامی - ت]

۸- پست تلاشی جاده ها [خروج و وارد به داخل شهرها- ت]

۷- شمه ای از کاربرد اشکال شکنجه توسط عوامل CIA در امریکای لاتین:

الف - ارژنتین:

حکومت ژنرالها هر گونه فعالیت سیاسی را به نام "خطر کمونیزم" سرکوب می کرد. در دهه ۱۹۷۰ بیش از ۳۰ هزار ارژنتینی ناپدید شدند. جنرال لئو بولد گالتی پری رئیس حکومت نظامی مسئول ناپدید شدن هزاران نفری شناخته شد که در آن کشور به آنان ناپدیدگشتگان می گویند.

پابلو کارابالو یک تن از صاحب مصبان که از عاملان شکنجه در اردوگاه آل کامپیتو بوده در اعترافات خود در نقش طیارات و " پرواز های مرگ " و شکنجه و اعدام اشاره نمود. وی اعتراف کرد که اکثر ۳۰۰۰۰ زندانی که وارد آل کامپیتو شدند مورد شکنجه قرار گرفته و سپس توسط ضرب و جرح و یا بافیر مرمی خلاص به مغز شان (از پشت) به قتل رسیدند. وی به داد گاه گفت که زندانی را پس از تزریق دوا آرامی بخش که حرکت و قدرت دماغ را از آنها می گرفت از طیاره به دریا پرتاب می کردند [همان کاری را که منصور هاشمی وزیر خلقی با همدستی آذرخش حافظی که فعلا در اداره استعماری امریکا در افغانستان به سمت رئیس عمومی اتاقهای تجارت کار میکند، انجام می دادند یعنی صد ها زندانی را از هلیکوپتر به دریای کوچکه پرتاب کردند- ت] حتی در بعضی موارد اول شکم آنها را پاره می کردند تا زود تر در دریا غرق شوند. این جنایتکار اعتراف کرد که کودکان و اطفال زندانیان سیاسی را ربوده آنها در اختیار خانواده های نظامی می گذاشت. وی می گفت:

" مادران حامله تازمان ولادت از کمک های لازمه طبی به خوبی برخوردار می شدند پس از زایمان مادر بقتل می رسید و فرزندش به خواستار آن که همان نظامیان دولتی بودند داده میشد . "

خورخه رافائل ویولا بعد از پیروز کودتا ۱۹۷۵ گفت : " هر تعداد از مردم که لازم باشد در ارژنتین کشته خواهد شد تا نظم برقرار شود . " و جنرال ایبریکو سن ژان قوماندان نظامی بوئنس آیرس در سال ۱۹۷۶ اعلام کرد که " اول همه خرابکاران را خواهیم کشت سپس همه همکاران آنها را خواهیم کشت بعدا هواداران آنها را و بعدتر از آن همه آنهایی را که بی تفاوت هستند و در آخر همه ترسو ها را هم خواهیم کشت . " آنان در زندان ها به کار شکنجه مشغول بودند . مخوف ترین آنها بازداشتگاه مخفی مدرسه مکانیک نیروی دریای در پایتخت آن کشور بود هرکی را به آنجا انتقال می دادند ابتدا توسط دستگاهی به نام کارولین که دسته جارویی با دوسیم برق برسر آن بود ، شکنجه می شد . زندانی را لچ و عریان کرده بر روی تخت بسته می کردند . بعد از هر نوبت برق دادن بر روی آن آب می ریختند تا اثر برق گرفتگی بیشتر شود . زنان را از ناحیه آلت تناسلی و سینه و مقعد و مردان را از ناحیه آلت تناسلی و زبان و گردن مورد شوک برقی قرار می دادند . زندانیان گاهی آنچنان دچار لرزه و تشنج می شدند که دست و پا پای شان می شکست .

کودکان را در برابر والدین و والیدین را در برابر کودکان شکنجه می کردند. در یکی از گزارشات در مورد فروش ۶۰ کودک زندانیان و دو کودک به خاطر ترک برداشتن جمجمه شان به سبب اصابت به دیوار به هنگام گرفتن اعتراف از والیدین شان به قتل رسیدند . رفتار سادستیک جلادان با کشتن زندانیان پایان نمی گرفت . مادری هر دو دست قطع شده دخترش را در بین یک قطی دریافت کرد . هر روز در ساعت ۵ بجه بعد از ظهر اجساد زندانیان پس از قطعه قطعه شدن توسط اهره برقی سوزانده می شد . به سببی که این کار وقت بیشتر را می گرفت . اجساد را در داخل ... گذاشته به دریا پرتاب می کردند . به خاطر که رعب و وحشت در میان مردم خلق نمایند تا کسی در برابر دولت وابسته به سیا واکنش نشان داده نتواند . و . اس . ناپیال نویسنده چیره دست در کتاب خود به نام " بازگت اوپرون " می نویسد :

" جنازه عریان دختر جوانی به داخل حویلی خانه پدر و مادر او پرتاب شد ولی بر روی بدن او هیچ اثری از شکنجه و ضرب و جرح نبود . بعدا مدیر کفن و دفن به آنها گفت که آلت تناسلی دختر را به هم دوخته بودند و وی در داخل رحم او جنازه موش را یافته است . "

ب - گواتیمالا :

اولین ساکنان گواتیمالا را مایا می نامند که به همراه اینکا در پیرو و آزتک در مکسیکو تشکیل دهنده سه تمدن بزرگ و باستانی قاره امریکا می باشند . پیشینه تمدن مایا به ۴۰۰۰ سال می رسد . حزب کمونیست گواتیمالا موسوم به " حزب کار گواتیمالا " ۴ کرسی در کنگره (مجلس) داشت و کوچکترین سازمان موجود در دولت ائتلافی آربانز بود که دارای ۵۱ کرسی در شورا بود . کمونیست ها چند پست به سمت مشاور وزیر داشتند ؛ ولی هیچکدام عضو کابینه نبودند . اولین طرح کودتا و ساقط ساختن آربانز در سال ۱۹۵۲ توسط رئیس جمهور امریکا **ترومن** تصویب شد . اما وزیر خارج دین آجسون او را قانع کرد که جلو عملیات را در لحظه آخر بگیرد . طرح کودتا بار دیگر در دوره رسیدن جنرال ایزنهاور روی دست گرفته شد . به زودی کاستیو آرماس ، مامور گواتیمالایی سازمان سیا و فارغ التحصیل " **مدرسه دیکتاتورها** " به قدرت رسد و پیروزی خود را با

دستگیری هزاران نفر جشن گرفت . دیکتاتور با کشتن کمونیست ها و گرفتاری مخالفین عبودیت خود را در برابر سرمایه به ثبوت رساند . تمام آثار مثل بینوایان ویکتور هوگو هم از بازار فروش برداشته شد . **جان فاستر دالس** وزیر امور خارج امریکا که در دشمنی با کمونیزم شهرت جهانی داشت ، از دولت کودتا در گواتیمالا خواست که به تمام سفارت خانه های خارجی حمله کرده تمام پناهندگان را دستگیر نماید . یکی از کسانی که در سفارت ارژنتین پناه برده بود **داکتر ارژانتینی** به نام **ارنستوچه گوارا** بود که در سال **۱۹۵۳** برای مطالعه شرایط انقلابی به گواتیمالا آمده بود . **همسر اول وی هیلدا گادتا** در این باره چنین نوشته است : **" تا این زمان ارنتسو فقط یک منتقد بود و فقط از زاویه تئوریک به شرایط سیاسی قاره امریکا می نگریست ؛ اما از این جا بعد او معتقد شد که مبارزه علیه سیستم الیگارشی و دشمن اصلی ، امپریالیزم یانکی ، باید مسلحانه بوده و توسط توده ها حمایت شود . "** بعد ها حکومت ایدی گوراس در سال **۱۹۶۳** با کودتای دیگری توسط جنرال آنریکه آزوریدا سر نگون شد . بالاخره نوبت به ریوس مونت فارغ " مدرسه دیکتاتور ها " رسید .

ریگو برتا میخوتوم برنده جایزه صلح نوبل در سال **۱۹۹۲** یکی از این زنان بومی امریکا بود که در شهادت خود چنین گفت : **" در ۹ دسامبر ۱۹۷۹ ، برادر ۱۶ ساله من پاترو سینو به همراه ۲۰ نو جوان دیگر پس از دستیگری در میدان ده برای چند روز متوالی شکنجه شدند یکی از افسران ارتش دستور داد که زندانی ها در یک صف به نمایش گذاشته شوند . و سپس به اهالی ده دشنام داده توهین نمود . اهالی ده مجبور شده بودند از خانه های خود بیرون آمده و ناظر شکنجه باشند . من با مادرم بودم و هردوی ما پاترسینو را دیدیم که زبانش و یکی از پاهایش را قطع کرده بودند ... و افسر مرتب رجز خوانی می کرد هر زمان که او مکث میکرد سر بازان زندانی ها را کتک می زدند پس از پایان سخنرانی او ، بدن برادرم و سایرین را که به قدری ورم کرده و خونین بودند که نمی شد آنها را شناخت ولی هنوز زنده بودند ، بر زمین انداخته و بر روی آن بنزین پاش دادند و آنها را آتش زدند و صاحبمنصب می خندید و مردم ده را مجبور می کرد که نگاه کنند . هدف او این بود که آنها را بترساند و شاهد باشند که چه مجازاتی درباره " چریک " ها اجرا می شود .**

در ماه مارچ **۱۹۹۲** یکی از رهبران جنبش چریکی گواتیمالا افراین باماکا ولاسکوئز دستگیر و سپس ناپدید گشت . در سه سال آینده همسر امریکایی او به نام جنیفر هاربوری که وکیل محکمه بود یک کار زار جهانی برای یافتن همسر خود بر پا نمود . وی در شهر گواتیمالا دست به اعتصاب غذایی زد و در واشنگتن هم همین کار را انجام داد . هر دو حکومت اظهار بی اطلاعی کامل می کردند . نهایتا در **۱۹۹۵** نماینده کنگره امریکا توریسلی فاش ساخت که باما کا در همان سال اسارت پس از شکنجه اعدام شده بود . اعدام وی به دستور صاحب منصب خوبو روبرتو آل پیرز از فارغ التحصیلان " مدرسه دیکتاتور ها " انجام گرفته بود . این اقدام توریسلی باعث شد که چندین امریکایی دست به افشا جنایات دیگر ارتش گواتیمالا مانند قتل و شکنجه و تجاوز جنسی بزنند . دینا اورتیز راهبه و خواهر مذهبی که در گواتیمالا توسط ارتش ربوده شده بود گفت که در زندان با سیگار سوزانده شده و به کرات مورد تجاوز جنسی قرار گرفته . وی را بداخل گودالی انداخته بودند که پر از اجساد قربانیان و موش مرده بوده است . وی گفت رئیس همه آنها یک سفید پوست بود که لهجه امریکایی داشت .

ج - شیلی :

زمانی که سرهنگ مانوئل کنتراس که از فارغان "مدرسه دیکتاتورها" بود ، توسط نماینده سرمایه امپریالیستی (پینوشه جنایت کار) به ریاست سازمان مخوف " امنیت ملی (DINA) [معادل ساواک و ساواما در ایران موساد در اسرائیل و خاد در افغانستان - ت] گمارده شد . یکی از اقدامات اصلی این سازمان ایجاد دسته های مرگ بود . وی از طرف سازمان سیا ماموریت یافت تا عملیات " کندر " را رهبری کند . این عملیات با همکاری سازمان امنیت ملی شیلی ، ارژنتین و چند کشور دیگر امریکای جنوبی وظیفه شکار و شکنجه و اعدام مخالفین دیکتاتور های امریکای لاتین را به عهده داشت . ده ها هزار نیروی چپ شیلی در این عملیات ناپدید گشتند . مامورین سازمان امنیت ملی شیلی و پروژه " کندر " شامل فاشیست ها و نیونازی هایی بودند که از میان افراد سازمان نظامی - شبه نظامی سرزمین پدري - آزادی انتخاب گشته بودند . این سازمان چنانکه گفتیم طبق دستور مستقیم کیسینجر با سازمان سیا در ارتباط مالی و اطلاعاتی بود . طبق گزارشات سازمان عفو بین الملل در سلولها با عرض و طول نیم متر دو نفر زندانی بودند . به زحمت می توانستند ایستاده شوند شوک برقی بر روی تخت آهنی موسوم به ماشین کباب به آلت تناسلی و به مقعد و زبان و گردن و پستان زنان و بیضه ، فرو بردن سر زندانیان به داخل سطل مملو از مدفوع و ادرار تاسرحد خفگی ، اعدام ساختگی ، تجاوز و مجبور کردن زندانیان زن به انجام عمل جنسی با سگ های مخصوص تربیت شده برای این کار ، شکنجه زن و شوهر بر روی تخت مخصوص شکنجه دونفر در چند سانتی متری یک دیگر ، شکنجه کودک و پدر کلان در برابر همدیگر . بیشترین زندانیان از فقرا و ساکنان محله های غریب نشین شیلی بودند .

خلاصه ای از روش های شکنجه که از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰ یعنی ۱۷ سال در شیلی توسط ارتش و سازمان امنیت و دسته های مرگ به کار گرفته می شدند به شرح زیر است :

- ۱- شوک برقی به مردان و به زنان بر روی تختی موسوم به ماشین کباب . زندانیان عریان بوده بر روی آنها آب ریخته می شد .
- ۲- مشت و لگد و سیلی که در بسیار از موارد موجب پارگی پرده گوش و شکستگی استخوان ها و پاره شدن اعضای داخلی مانند طحال و غیره می گشت .
- ۳- سوزاندن با مشعل و سیگار .
- ۴- مسدود کردن دماغ و دهن تا سرحد خفگی .
- ۵- فرو بردن سر قربانی در سطل مدفوع و ادرار .
- ۶- تجاوز به زندانیان توسط مستنطق و گاهی سگ های تربیت شده .
- ۷- تجاوز به زندانیان با فلز گداخته که موجب سوختگی و مرگ می شد .
- ۸- استفاده از دواهای مخدره برای استنطاق .
- ۹- تهدید و شکنجه خانواده زندانی .

طبق یک گزارش سازمان حقوق بشر، فارغ التحصیلان "مدرسه دیکتاتور ها" در ارتش شیلی در رابطه با شکنجه و رفتار با زنان به حدی در ورطه پستی و جنایت سقوط کردند که می توان آنها را شاگرد اول این مدرسه دانست .

د- برازیل :

در برازیل میتوان به یک گزارش سازمان عفو بین الملل از شکنجه ، تحت رهبری کودتای امریکایی بسنده کرد : " شکنجه از کتک زدن تا شوک برقی اجرا می شود یکی از شکنجه های بسیار تخصصی شده است . یک نی در مقعد زن عریان که از روی یک میله آویزان شده فرو رفته است (به این میله چوب طوطی میگویند و در سر دیگر آن پنبه آغشته به بنزین می سوزد) . زنان حامله شاهد شکنجه شوهران خود هستند . زنان عریان را واژگون آویزان می کنند و به آلت تناسلی آنان شوک برقی وارد می نمایند . حد اقل یک بچه سه ماه ... زیر شکنجه از بین برده شده است . شکنجه بالای زندانی تا روز ها ادامه می یابد . برای اجتناب از اطناب سخن از اشکال شکنجه در کشور های بولیوی ، اوروگوئه ، الوادور ، پیرو ، پانامه ، کولمبیا و مکسیکو که کم و بیش شباهت های با کشور های تذکار داده شده دارد ؛ در پایان این بحث خود داری شد .

ادامه دارد